

ماده پنجاهم:

شخصی که از جرم متضرر گردد میتواند در اثنای تحقیق ادعای حق العبد خود را تقدیم نماید.

خارنوال حد اکثر در خلال پنج روز بعد از تقدیم ادعا تصمیم خود را در مورد قبول آن اتخاذ مینماید.

ماده پنجاه و یکم:

هر یک از متهم و مجنی علیه و مدعی حق العبد و مسئول حق العبد و وکلای شان میتواند در تمام اجراءات تحقیق حضور یابند مامور ضبط قضائی صلاحیت دارد هرگاه از نظر کشف حقیقت مناسب بداند در غیاب آنها به اجرای تحقیقات اقدام نماید بعد از رفع این ضرورت اطلاع ایشان بر جریان تحقیق مانعی ندارد.

مامور ضبط قضائی صلاحیت دارد پاره اجراءات تحقیق را در حالات مستعجل در غیاب خصوم عملی نموده و آنها حق دارند ملاحظه اوراق همچو اجراءات را مطالبه نمایند. خصوم حق دارند وکلای شانرا در طول تحقیق باخود همراه داشته باشند.

ماده پنجاه و دوم:

مامور ضبط قضائی روز آغاز تحقیق و محل اجرای آنرا قبلا به اطلاع خصوم میرساند.

ماده پنجاه و سوم:

هر یک از متهم، مجنی علیه مدعی حق العبد و مسئول حق العبد میتواند یک یک نقل اوراق مربوط به جریان تحقیق را از هر نوع که باشد بمصرف خود مطالبه نمایند مامور ضبط قضائی مکلف است نقل اوراق را طبق احکام فوق بدسترس آنها بگذارد مگر اینکه تحقیق در غیاب آنها بر طبق قراریکه قانونا صادر گردیده صورت گرفته باشد.

فصل دوم

معاینات محلی و ضبط اشیای مربوط به جرم.

ماده پنجاه و چهارم:

مامور ضبط قضائی بمجرد اطلاع از جنایت و جنح مکلف است به صورت فوری بمحل واقعه برود او میتواند بهر جائیکه خواسته باشد جهت تثبیت وضع اماکن، اشیاء، اشخاص و شکل واقعی جرم و هر چیزیکه تثبیت وضع آن لازم باشد برود.

ماده پنجاه و پنجم:

مامور ضبط قضائی صلاحیت دارد مظنون به جنایت و جنح را تفتیش و همچنان هرگاه به امارات و آثار قوی نزد او واضح شود که شخص دیگری اشیائیرا با خود مخفی نموده است که در کشف حقیقت مفید است میتواند به تفتیش او اقدام نماید.

ماده پنجاه و هشتم:

تفتیش منازل جز اجراءات تحقیق است و اجرای آن جواز ندارد مگر در صورت اتهامیکه ناشی از ارتکاب و اشتراک در ارتکاب جنایت و جنحه بوده و به شخصیکه در منزل مذکور سکونت داشته باشد منسوب و تفتیش آن لازم باشد و یا اینکه قرائنی موجود باشد که نشان میدهد ساکن منزل اشیا متعلق بجرم را با خود نگهداشته است.

ماده پنجاه و هفتم:

مامور ضبط قضائی بعد از حصول اجازه قاضی با صلاحیت میتواند تمام مکاتیب و هرگونه مراسلات پستی را در اداره پست و هرگونه تلگرام ها را در اداره مربوط آن معطل و هرگونه مصاحبات سیمی و بیسیم را کنترل نماید مشروط بر اینکه مربوط به متهم بوده و با جرم تحت تحقیق ربطی داشته باشد و از اجرای آن در کشف حقیقت فایده ای متصور باشد این اجراءات در حالات عاجل بدون اجازه قاضی صورت گرفته میتواند ولی بعد از اجرای آن در خلال مدت سه روز به سلسله خارنوالی تائید قاضی محکمه با صلاحیت را دایر به صحت اقدام آن حاصل میدارد.

ماده پنجاه و هشتم:

مامور ضبط قضائی حق ندارد اوراق و اسنادی را که متهم به وکیل مدافع یا بیکنفر از اهل خبره بغرض استتساره میسپارد یا مراسلاتی را که بین اهل خبره و متهم در موضوع رد و بدل میشود اخذ نماید.

ماده پنجاه و نهم:

مامورین ضبط قضائی اوراق اخذ شده را به تنهایی و حتی الامکان در حضور متهم و نگهدارنده آن ملاحظه نموده نظریات خود را در مورد آن ابراز کند.

هرگاه ضرورت محسوس شود مامور ضبط قضائی میتواند یکنفر مامور را به نگهداری اوراق مذکور موظف نماید همچنان او میتواند بر حسب لزوم امر انضمام اوراق به دوسیه قضیه و یا امر اعاده آنرا به صاحب یا مرسل آن صادر نماید.

ماده شصت:

اصل مکاتیب و مراسله های تلگرامی اخذ شده و یا کاپی آن هر چه زودتر به متهم و یا مرسل الیه آن ارسال میشود مگر در حالیکه ضروری از آن بجزریان تحقیق متصور باشد.

فصل سوم

استماع شهود تحقیق

ماده شصت و یکم:

مامور ضبط قضائی شهادت شهود را که خصوم مطالبه استماع آنرا دارند در صورتیکه سمع آنرا مفید بداند سمع مینماید.

او مکلف است شهادت شهودی را سمع نماید که شهادت شان در مورد واقعاتی مفید باشد که جرم را ثابت میکند یا به اثبات جرم یا اوضاع مربوط به آن و یا به نسبت دادن آن به متهم یا برائت او منجر میشود.

ماده شصت و دوم:

مامور ضبط قضائی میتواند شهادت هر کس را که برضای خود به ادای شهادت حاضر میشود مطابق بحکم ماده (۶۱) این قانون بشنود درین صورت مراتب در محضر تحقیق درج میشود.

شهودیکه استماع شهادت شان را مامور ضبط قضائی لازم میداند توسط افراد امنیه جلب و احضار می شوند.

ماده شصت و سوم:

مامور ضبط قضائی از هر شاهد مطالبه میکند تا اسم، لقب، سن، کسب، سکونت و رابطه خود را با متهم بیان نماید. تمام این مراتب در محضر تحقیق ثبت میشود.

ماده شصت و چهارم:

اظهارات مختص به شهود و شهادت شان به قید تحریر در آورده میشود و بدون کم و کاست و گل و تراش در محاضر تحقیق ثبت می گردد و تا وقتیکه از طرف مامور ضبط قضائی شاهد و محرر آن تصدیق نشود قابل اعتبار شمرده نمیشود مامور ضبط قضائی، شاهد و محرر مکلفند شهادت را امضاء نمایند.

همچنان شاهد پس از آنکه شهادتش در حضور او قرائت و مورد تائید او واقع گردید آنرا امضاء مینماید یا نشان شصت خود را بر آن میگذارد. هرگاه شاهد از امضاء یا گذاشتن نشان شصت شهادت ابا ورزد یا امکان آن موجود نباشد موضوع با ذکر اسباب موجه آن در محضر ثبت میگردد مامور ضبط قضائی هر صفحه را بمنظور نشانی شد امضاء مینماید.

ماده شصت و پنجم:

مامور ضبط قضائی شهادت هر نفر شاهد را جداگانه و بصورت انفرادی استماع مینماید او میتواند بعضی از شهود را با بعضی دیگر یا با مظنون روبرو نماید.

ماده شصت و هشتم:

خصوم در اثنای استماع بیانات شاهد میتواند ملاحظات خود را در مورد آن اظهار نمایند آنها میتوانند از مامور ضبط قضائی مطالبه کنند شهادت را از نقطه نظر دیگری که از طرف آنها پیشنهاد میشود استماع نماید.

مامور ضبط قضائی در همه حالات صلاحیت دارد توجیه هر سوالی را که متعلق به دعوی نبوده و یا در الفاظ آن تماس با غیر باشد تردید نماید.

ماده شصت و هفتم:

در مورد شهود احکام مواد (۲۳۴-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸-۲۳۹) این قانون تطبیق میشود.

ماده شصت و هشتم:

در صورتیکه شاهد بعثت مریضی یا عنر قانونی دیگر بمحل تحقیق حاضر شده نتواند شهادت او در محل مسکونه اش استماع میشود.

ماده شصت و نهم:

مقدار حق الزحمه و مصارف سفر شهودیکه به سبب حضور بغرض ادای شهادت مستحق آن میگرددند از طرف خارنوالی تعیین و سنجش میشود.

فصل چهارم

استفاده از اهل خبره

ماده هفتاد ام:

مامور ضبط قضائی میتواند در راه تثبیت حالت از طبیب و دیگر اهل خبره و اهل تخصص استفاده نماید. در حین استفاده از اهل خبره باید مامور ضبط قضائی شخصاً حاضر باشد. هرگاه لازم باشد برای اجرای بعضی اعمال تمهیدی یا تجربه های مکرر و یا بر اساس علت دیگر تثبیت حالت در غیاب مامور ضبط قضائی صورت گیرد او مکلف است در تقاضای خود از اهل خبره انواع تحقیقات و چیزیرا که تثبیت حالت آن مطلوب است بوضاحت بیان کند. اهل خبره میتواند وظیفه خو را در غیاب طرفین دعوی انجام دهد.

ماده هفتاد و یکم:

مامور ضبط قضائی میتواند به مقصد دریافت حقایق امر اخذ نمونه خون متهم را ذریعه اهل خبره هدایت بدهد همچنان او میتواند نشان انگشت آن و عکس متهم را به منظور تثبیت هویت اخذ نماید.

ماده هفتاد و دوم:

هرگاه اهل خبره از جمله کسانی نباشند که نام شان در جدول اهل خبره قید بوده و در آغاز اشغال بوظیفه سوگند نموده اند آنها مکلف اند قبل از شروع بفعالیت در حضور مامور ضبط قضائی سوگند نمایند که وظیفه خود را بپاکی و درستی انجام میدهند.

ماده هفتاد و سوم:

جدول اهل خبره از طرف خارنوالی ترتیب و نگهداشته میشود. خارنوالی نقل جدول مرتبه را وقتاً فوقتاً به مراجع ذیصلاح ارسال میدارد.

اهل خبره رای خود را بقید تحریر در آورده تقدیم میکند مامور ضبط قضائی مدتی را که اهل خبره باید در خلال آن رای خود را تقدیم نماید تعیین میکند.

هرگاه یک نفر از اهل خبره در مدتی که برای او تعیین شده نسبت عذر معقول وظیفه خود را انجام ندهد نتواند مامور ضبط قضائی میتواند شخص دیگری را از اهل خبره بعوض وی تعیین و موظف نماید.

ماده هفتاد و چهارم:

همچنان مامور ضبط قضائی می تواند در صورت لزوم بیش از یک نفر از اهل خبره را جهت تثبیت حالت مطلوبه موظف نماید.

متهم میتواند از اهل خبره معلوماتی را که در مورد اوراق و اشیای بدست آورد که از طرف مامور ضبط قضائی به اهل خبره احاله شده مشروط بر اینکه مراتب موجب تاخیر سیر تحقیق نباشد.

ماده هفتاد و پنجم:

طرفین دعوی حق دارند در صورت وجود اسباب موجب رد اهل خبره را مطالبه نمایند در آنصورت درخواست طرف با دلایل آن به مامور ضبط قضائی تقدیم میشود مامور ضبط قضائی مکلف است در خلال سه روز از تاریخ تقدیم درخواست در مورد آن تصمیم بگیرد و در صورتیکه اسباب موجب رد اهل خبره باشد دست اهل خبره از کار کشیده میشود مگر در حال عاجلیکه مامور ضبط قضائی به ادامه کار امر بدهد. هرگاه اختلافی در ارای اهل خبره موجود شود یا ارای آنان بنظر مامور ضبط قضائی مشکوک باشد مامور ضبط قضائی از اهل خبره دیگری دعوت مینماید و یا ارای اهل خبره را نزد متخصصین علم یا فن فرستاده عقیده آنان را میخوهد.

ماده هفتاد و ششم:

اثبات آثار جرمی آتی با رعایت درجه اهمیت در معاینات تخنیکی بصفت ادله مادی محسوب میگردد.

۱- آثار رده های انگشتان دست، کف دست و پا.

۲- آثار بالستیکی بالای مرمی و خول کارتوس.

۳- آثار آلات و افزار فلزی بالای فلزات و سایر مواد سخت.

۴- پارچه های شیشه.

۵- آثار خون.

۶- آثار و علایم پاپوش.

۷- آثار و علایم نوشته جات.

۸- آثار و علایم دندان.

۹- آثار و علایم موی.

۱۰- آثار و علایم نسجی.

۱۱- سایر آثاریکه بنظر اهل خبره علما تثبیت شده بتوانند.

ماده هفتاد و هفتم:

مامور ضبط قضائی میتواند به منظور کشف حقایق جسدی را غرض دریافت نظر اهل خبره به طب عدلی بفرستند و یا اجازه اخراج جسد دفن شده مشکوک را بغرض انجام معاینات طب عدلی از محکمه با صلاحیت حاصل نماید. محکمه در صدور اجازه اخراج جسد دفن شده از حیث لزوم آن از نظر اهل خبره استفاده میکند.

فصل پنجم

استنطاق

ماده هفتاد و هشتم:

مستنطق مکلف است در اولین برخورد با متهم هویت او را ثبت کند. بعد تهمتی را که باو نسبت داده شده ابلاغ میکند اقوال و اظهارات او را در محضر قید مینماید. اظهاریکه از متهم یا شخص دیگر بوسیله اکراه بدست آورده شود اعتبار ندارد.

ماده هفتاد و نهم:

متهم مکلف است اسم وکیل مدافع خود را در صورتیکه تعیین کرده باشد به مامور ضبط قضائی معرفی نماید. وکیل مدافع نیز میتواند نام خود را بحیث وکیل مدافع متهم بمامور ضبط قضائی معرفی نماید.

ماده هشتادم:

هرگاه جرم غیر مشهود باشد و حالت از رهگذر خوف ضیاع دلایل معجل نباشد مستنطق نمیتواند در جنایت از متهم سوال کند یا او را با دیگر متهمین و یا شهود رو برو سازد مگر بعد از آنکه از وکیل مدافع او خواسته شده باشد که در جریان استنطاق یا مواجه حاضر شود.

ماده هشتاد و یکم:

وکیل مدافع میتواند قبل از استنطاق و مواجهه از اوراق و جریان تحقیق مطلع گردد.

فصل ششم

تکلیف به حضور

ماده هشتاد و دوم:

مامور ضبط قضائی در همه جرایم امر احضار متهم را مطابق به حکم ماده (۲۶) این قانون صادر کرده می تواند.

ماده هشتاد و سوم:

اسم - پیشه - شهرت مکمله - محل سکونت و اتهام منسوب به متهم در امریکه راجع به حضورش صادر میشود ذکر میگردد.

امر حضور باید دارای تاریخ باشد و از طرف مامور ضبط قضائی امضا و به مهر رسمی نشانی گردد.

در امر حضور باید تاریخی که حضور شخص در آن مطلوب است ذکر گردد همچنان در امر حضور تکلیف افراد امنیه راجع بگرفتاری و احضار شخص نزد مامور ضبط قضائی در صورتیکه شخص مکلف بحضور از تعمیل امر ابا ورزد توضیح می گردد.

ماده هشتاد و چهارم:

اوامریکه از طرف مامور ضبط قضائی صادر میشود در تمام ساحه دولت جمهوریت افغانستان نافذ شمرده میشود اوامر ذریعه افراد امنیه به متهم ابلاغ میشود و یک نقل آن باو تفویض میگردد.

در این مورد احکام مندرج قانون پولیس و ژاندارم رعایت میگردد هر گاه احضار نامه به آدرس قانونی متهم تسلیم داده شود حکما تسلیم به شخص مورد احضار پنداشته می شود.

فصل هفتم

امر توقیف

ماده هشتاد و پنجم:

هرگاه بعد از استنطاق یا در صورت خوف فرار متهم دلایل الزام وی کافی دیده شود و واقعه جنایت بوده یا جنحه ای باشد که جزای آن حبس مدت بیشتر از سه ماه باشد ځارنوالی توقیف متهم را قبل از محاکمه در محکمه با صلاحیت احتیاطا تقاضا کرده میتواند.

هرگاه جرم جنحه ای باشد که مرتکب آن بجزای حبس تا سه سال محکوم میگردد و متهم در افغانستان مسکن ثابت و معلوم نداشته باشد ځارنوالی میتواند امر توقیف او را مطالبه کند.

ماده هشتاد و هشتم:

هرگاه ځارنوالی ضرورت توقیف متهم را احساس نماید موضوع را به قاضی محکمه با صلاحیت تقدیم نموده تقاضای توقیف او را میکند قاضی بعد از اطلاع بر دلایل ځارنوالی امر لازم را صادر میکند و در صورت ضرورت میتواند اقوال ځارنوالی و متهم هر دو را استماع نماید.

قاضی میتواند مدت توقیف را یک و یا چند مرتبه تمدید نماید مشروط براینکه تمام مدت توقیف از سه ماه تجاوز نکند.

ماده هشتاد و نهم:

هرگاه تحقیق بعد از پایان یافتن مدت نهائی توقیف که در ماده (۸۶) این قانون ذکر گردیده تکمیل نشده باشد ځارنوالی مکلف است اوراق قضیه را به رئیس محکمه بالاتر تقدیم نماید. او در حال ضرورت میتواند توقیف را تمدید دهد در مواردیکه رئیس محکمه ولایت امر توقیفی و تمدید آنرا بصورت ابتدائی مشمول ماده (۸۶) این قانون داده باشد در مرحله بعدی که تمدید توقیف ضرور باشد امر تمدید از طرف رئیس به موافقه اعضای دیوان با صلاحیت محکمه ولایت داده شده میتواند.

رئیس محکمه صلاحیت دارد به تمدید مدت یک و یا چند مرتبه بپردازد بشرطیکه تمدید در هر مرتبه از (۴۵) روز بیشتر نباشد، بهمه حال تمدید مدت توقیف مجموعا از نه ماه بیشتر بوده نمیتواند در صورتیکه رئیس محکمه ولایت ادامه توقیف را لازم نبیند امر رهائی او را در حدود احکام این قانون به قید کفالت بالمال یا بدون آن صادر مینماید.

ماده هشتاد و دهم:

مامورین ضبط قضائی مکلف اند تحقیق جرایم را در صورت عدم وجود علل معقول هر چه زودتر تکمیل نمایند بهر صورت تحقیق جرایم بعد از گرفتاری متهم در ظرف مواعید آتی تکمیل میگردد.

۱- تحقیق جرایم قباحت حداکثر در ظرف مدت یک ماه.

۲- تحقیق جرایم جنحه حداکثر در ظرف مدت دو ماه.

۳- تحقیق جرایم جنایت حداکثر در ظرف مدت شش ماه.

هرگاه استثنأ تحقیق جرایم جنایت نظر به علل معقول در ظرف این مدت تکمیل شده نتواند و متهم توقیف نباشد علل عدم تکمیل تحقیق به ځارنوال پیشنهاد میگردد. ځارنوال میتواند در اینصورت تمدید این مدت را تا سه ماه دیگر اجازه دهد.

تمدید بیشتر از سه ماه در موارد فوق و همچنان تمدید مدت تحقیق بیشتر از شش ماه در مواردیکه متهم با اجازه محکمه باصلاحیت توقیف باشد تنها از صلاحیت لوی ځارنوال میباشد این صلاحیت حصول اجازه توقیف و تمدید آن را که در ماده (۸۷) این قانون تصریح یافته است اخلال نمیکند.

ماده هشتاد ونهم:

توقیف شخصیکه کمتر از سیزده سال عمر داشته باشد جواز ندارد هرگاه اوضاع اجراءات احتیاطی را علیه صغیر ایجاب نماید ځارنوال میتواند الی حل و فصل موضوع امر تسلیم صغیر را بیک شخص امانت دار و یا یک موسسه خیریه صادر کند تا او را تحت نگرانی خود گرفته و عندالطلب به ځارنوالی ارائه و یا اعاده نماید. مدت تسلیمی صغیر باید از یک هفته تجاوز نکند مگر اینکه قاضی محکمه باصلاحیت به تمدید این میعاد موافقه نماید.

ماده نودم:

در تعیین سن مراتب آتی رعایت میشود:

۱- سن مندرج تذکره تابعیت بدرجه اول اعتبار دارد، مشروط بر اینکه تصحیح سن با تثبیت ابتدائی سن در تذکره مغایرت نداشته باشد.

۲- سنیکه از طرف طبیب عدلی و در صورت عدم موجودیت از طرف سایر اطبا تثبیت میگردد قابل اعتبار میباشد. هرگاه نزد محکمه باصلاحیت سن تثبیت شده مغایر ظاهر الحال ثابت گردد محکمه بهر صورت می تواند موضوع را جهت تعیین مجدد سن به هیات اطبا که کمتر از سه نفر بوده نمیتواند ارجاع نماید.

ماده نود و یکم:

در امر توقیف مامور توقیف به قبول و توقیف نمودن متهم مکلف ساخته می شود و ماده قانون که در مورد متهم تطبیق شده بیان میگردد.

ماده نود و دوم:

توقیف هیچ شخص به جز در توقیف خانه جواز ندارد هیچیک از مامورین توقیف خانه بدون امر کتبی مقامات صلاحیتدار شخص را در توقیف خانه قبول کرده نمیتواند و نه او را بیشتر از میعاد معین مندرج حکم ماده (۸۷) این قانون در توقیف خانه نگهداشته میتواند.

ماده نود و سوم:

مامور ضبط قضائی میتواند در جریان تحقیق متهم را باساس امر خود از تماس گرفتن با سایر توقیف شدگان و همچنان از ملاقات با هر کسی که لازم بیند منع نماید.

این وضع مانع تماس با وکیل مدافع او که به تنهایی صورت می گیرد شده نمیتواند.

ماده نود و چهارم:

اعضای خارنوالی صلاحیت دارد در منطقه وظیفه خود به معاینه توقیف خانه ها و محابس بغرض حصول اطمینان از مشروعیت توقیفی و بررسی احوال توقیف شدگان و محبوسین پردازد در صورتیکه چنین بازدید مصادف باوقت غیر رسمی باشد عضو خارنوالی مکلف است بازدید خود را بااطلاع قوماندان محل برساند قوماندان محل مکلف است مطالبه بازدید خارنوالی را فوراً قبول نماید.

ماده نود و پنجم:

هر شخص توقیف شده حق دارد هر وقتیکه خواسته باشد بصورت تحریری یا شفوی بمامور محبس یا محکمه شکایت نموده و ابلاغ آنرا به مامور ضبط قضائی یا خارنوالی مطالبه نماید.

مامور محبس به قبول کردن این درخواست و ابلاغ فوری آن بعد از درج آن در دفتر مربوط مکلف میباشد.

ماده نود و ششم:

هر شخصیکه علم او به توقیف غیر قانونی شخص دیگری برسد یا اینکه بداند شخص مذکور در محل غیر مختص توقیف تحت توقیف است میتواند به اعضای مامورین ضبط قضائی اطلاع و مامور ضبط قضائی مکلف است بمجرد اطلاع به محلیکه توقیف شده در آن بسر می برد برود و بعد از اجرای تحقیق لازم رهائی شخص را که بصورت غیر قانونی تحت توقیف است صادر و مراتب را به قید تحریر درآورده درج محضر نماید.

فصل هشتم

رهائی موقت

ماده نود و هفتم:

عضو خرنوالی هر وقت میتواند به اساس قرار خودش و یا بر حسب درخواست متهم امر رهائی او را بقید کفالت بالمال و یا بدون آن باستثنای موارد مندرج جدول منضمه این فصل به موافقت امر محل صادر نماید.

ماده نود و هشتم:

اندازه مبلغیکه بغرض رهائی موقت توقیف شده تحت کفالت بالمال گذاشته میشود از طرف قاضی محکمه با صلاحیت یا رئیس محکمه ولایت هر یک در حوزه صلاحیتش تعیین میشود قاضی مکلف است در امر کفالت بالمال تفصیل وجوه تخصیص را با رعایت تناسب حجم اتهام و اندازه کفالت بالمال در نظر بگیرد.

ماده نود و نهم:

در امر کفالت بالمال تصریح میگردد که یک قسمت معین مبلغ در صورت عدم حضور شخص بهنگام تحقیق دعوی یا تنقیذ حکم مصادره خواهد شد و قسمت معین دیگر مبلغ برای ادای مصارف ذیل تخصیص خواهد یافت.

۱- مصارفی که از طرف دولت بعمل می آید.

۲- جزایهای نقدی که متهم احیاناً به آن محکوم میشود.

ماده صد:

خرنوالی در مورد جنایات میتواند علیه امر رهائی متهم توقیف شده که از طرف قاضی ابتدائیه صادر شده است در ظرف (۲۴) ساعت از صدور آن مرافعه خواهی نماید.

درخواست مرافعه نزد رئیس محکمه ولایت دایر و بصورت معجل تحت رسیدگی قرار میگیرد رئیس محکمه ولایت میتواند بر اساس احکام ماده (۸۷) این قانون بتمدید توقیف امر صادر نماید.

هرگاه بعد از صدور قرار مرافعه خواهی موضوع در سه روز تحت رسیدگی مرافعی قرار نگیرد.

حکم قاضی ابتدائیه بصورت فوری عملی میشود.

ماده یکصد و یکم:

مبلغ کفالت بالمال از متهم و از غیر او پذیرفته میشود تادیه مبلغ از راه تحویل به بانک یا خزانه دولت نقدا و یا به شکل اسناد بهادار صورت میپذیرد.

ماده یکصد و دوم:

هرگاه متهم بدون عذر معقول به تنفیذ یکی از التزامات مفروضه اقدام نکند قسمت اول وجه کفالت او خود بخود و بدون حکم محکمه بحساب دولت معامله میشود و جز دوم آن در صورتیکه دعوی به عدم سمع یا به برائت متهم فیصله شود به او اعاده میگردد.

ماده یکصد و سوم:

هرگاه نزد عضو خارنوالی ثابت شود که متهم قادر به دادن وجه کفالت نمیشد میتواند او را با مراعات ایجاب اوضاع به مقابل رهائی موقت بدادن حاضری مرتب در اوقات معین بدفتر پولیس مکلف نماید.

درین صورت ضمانت حضور و واجبات مماثل دیگریکه علیه او تحمیل میشود و همچنان ضمانت عدم فرار اخذ میگردد.

ماده یکصد و چهارم:

هرگاه دلایل قوی علیه متهم بمیان آید یا متهم شروط متقلبه خود را اخلاص کند یا علت دیگری موجود شود صدور امر رهائی موقت مانع اصدار امر مجدد گرفتاری یا توقیف متهم مطابق به احکام قانون نمیشود.

ماده یکصد و پنجم:

تقاضای مجنی علیه یا مدعی حق العبد دایر به توقیف متهم و همچنان اقوال او در مباحثات مربوط به رهائی شنیده نمیشود.

فصل نهم

اقدامات درباره اشیای ضبط شده

ماده یکصد و ششم:

عضو خارنوالی یا قاضی محکمه باصلاحیت میتواند به اعاده اشیائیکه در اثنا تحقیق اخذ گردیده است ولو قبل از صدور حکم باشد امر بدهد مشروط براینکه اشیای مذکور با جریان دعوی ربطی نداشته باشد و یا تحت حکم مصادره واقع نشده باشد.

ماده یکصد و هفتم:

محکمه صلاحیت دارد در اثنای رسیدگی بدعوی به اعاده اشیای ضبط شده امر نماید.

ماده یکصد و هشتم:

امر باعاده اشیای ضبط شده بدون درخواست نیز صادر شده میتواند خارنوالی نمیتواند در صورت وجود نزاع به اعاده اشیای اخذ شده امر نماید.

ماده یکصد و نهم:

هرگاه در موضوع نزاع و یا راجع بصاحب اصلی آن شک و تردید وجود داشته باشد موضوع برای حل و فصل به رئیس محکمه ولایت تقدیم میشود.

ماده یکصد و دهم:

هر شخص که مدعی حق العبد در اشیای اخذ شده باشد میتواند از خائنوالی مطالبه تسلیمی آنرا بنماید هرگاه عضو خائنوالی مطالبه او را رد نماید میتواند نزد قاضی محکمه باصلاحیت شکایت و استماع دلایل خود را از وی مطالبه کند.

ماده یکصد و یازدهم:

اشیای ضبط شده به شخصی اعاده میگردد که در وقت اخذ شدن از نزدش دستیاب شده باشد هرگاه اشیای ضبط شده از جمله اشیای باشد که موضوع جرم یا باعث جرم واقع شده به شخصی که در اثر وقوع جرم حیات- آنرا از دست داده است اعاده میشود مشروط بر اینکه شخصی که اشیای مذکور از نزدش اخذ شده قانوناً حق نگهداشت آنرا داشته باشد.

ماده یکصد و دوازدهم:

هرگاه نزاع طرفین در مورد اشیای اخذ شده ماهیت یک دعوی حقوقی را کسب نماید و محکمه قانوناً صلاحیت رسیدگی چنین یک دعوی را نداشته باشد موضوع را برای حل و فصل بمحکمه حقوق ارجاع مینماید درینصورت اشیای ضبط شده تحت حفاظت لازم قرار داده میشود.

ماده یکصد و سیزدهم:

امر اعاده اشیاء ضبط شده مانع مطالبه حقوق طرفین در محکمه حقوق نمیشود هرگاه چنین امری باسناد مطالبه یکی از طرفین در حضور جانب مقابل از محکمه صادر شده باشد متهم با مدعی حق العبد بار دیگر نمیتواند در موضوع مطالبه نماید.

ماده یکصد و چهاردهم:

هرگاه بعد از اقامه دعوی یا به حفظ اوراق امر داده شود باید کیفیت تصرف در اشیا حل و فصل شود، همچنان در وقت دعوی نیز در صورتیکه مطالبه اشیاء ضبط شده از محکمه صورت گرفته باشد اجراءات فوق اتخاذ میشود.

ماده یکصد و پانزدهم:

هرگاه اصحاب دعوی اشیا اخذ شده را تا سه سال از تاریخ انتهای دعوی مطالبه نکند بدون صدور حکم ملک دولت شمرده میشود.

ماده یکصد و شانزدهم:

هرگاه شی اخذ شده طوری باشد که بمرور زمان تلف میگردد یا حفظ آن برابر قیمتش ایجاب مصرف مینماید فروش آن بصورت داوطلبی بشرطیکه اوضاع تحقیق مانع آن نباشد به اجازه محکمه باصلاحیت جواز دارد درین صورت

مالک آن میتواند در خلال مدتیکه در ماده (۱۱۵) این قانون ذکر گردیده پولیرا که از فروش حاصل گردیده مطالبه نماید.

فصل دهم

پایان تحقیق و اجراءات مابعد

ماده یکصد و هفدهم:

خارنوال میتواند در موارد آتی به حفظ اوراق امر نماید.

۱- در موردیکه قصور فاعل و نتیجه فعل جزئی و علاقه عامه به تعقیب عدلی آن متصور نباشد.

۲- در صورتیکه جرم اصلا واقع نشده باشد.

۳- در احوالیکه راجع به متهم دلایل کافی الزام موجود نباشد- خارنوال میتواند در قسمت تحقیق بیشتر قضیه به پولیس هدایت قانونی اعطاء و در مورد متهم مذکور با رعایت حکم مندرج ماده (۱۶۹) قانون اجراءات جزائی به خاتمه اجراءات تعقیب عدلی امر صادر نماید، هرگاه متهم در قضیه دیگری تحت نظارت یا توقیف نباشد فوراً رها میگردد تصمیم خارنوال در موارد فوق به تصدیق امر محل رسانیده میشود تصمیم امر محل نهائی است در امریکه باین منظور صادر میگردد اسباب موجب آن باید ذکر شود این امر به مجنی علیه و مدعی حق العبد ابلاغ میشود هرگاه یکی از آنها وفات یافته باشد موضوع بورثه اش در محل سکونت او کتبا ابلاغ میگردد.

۴- سایر مواردیکه در قانون تصریح شده باشد.

ماده یکصد و هجدهم:

هریک از مجنی علیه و مدعی حق العبد میتواند بر امریکه راجع بعدم لزوم اقامه دعوی صادر میشود اعتراض نماید مگر اینکه امر مذکور در مورد اتهام منسوب به یک نفر مامور یا مستخدم دولت یا یکی از افراد قضائی به سبب جرمیکه در اثنای اجرای وظیفه یا به سبب اجرای وظیفه مرتکب شده صدور یافته باشد مرافعه خواهی توسط استدعا به دفتر تحریرات محکمه در خلال ده روز بعد از تاریخ ابلاغ امر به مجنی علیه و مدعی حق العبد صورت میگردد اعتراض به قاضی محکمه با صلاحیت تقدیم میگردد و بصورت معجل مورد رسیدگی قرار می گیرد.

ماده یکصد و نوزدهم:

لوی خارنوال میتواند امر مندرج ماده (۱۱۸) این قانون را در خلال سه ماه بعد از صدور آن لغو نماید مشروط براینکه قاضی محکمه با صلاحیت فیصله خود را به رد اعتراض که بر ضد امر مذکور به او تقدیم شده صادر نکرده باشد.

ماده یکصد و بیستم:

لوی څارنوال، مجنی علیه و مدعی حق العبد میتوانند اعتراض خود را علیه امریکه از طرف قاضی محکمه با صلاحیت در مورد اعتراض مجنی علیه و یا اعتراض مدعی حق العبد بر امر څارنوال درباره عدم لزوم اقامه دعوی صادر میشود به مرجع نهائی قضا تقدیم نماید درین مورد احکام ماده (۱۶۷ و ۱۶۸) این قانون تطبیق میشود.

ماده یکصد و بیست و یکم:

هرگاه څارنوال بعد از اجرای تحقیق تشخیص دهد که واقعه جنایت یا جنحه یا قباحت بوده دلایل کافی بر ضد متهم جمع آوری شده است دعوی جزائی را علیه او اقامه مینماید.

ماده یکصد و بیست و دوم:

څارنوال مکلف است دعوی جزائی را بعد از پایان تحقیق هر چه زودتر اقامه و تعقیب نماید.

هرگاه دلایل معقول موجود باشد څارنوال میتواند در ظرف مواعد اتی اقامه دعوی نماید.

۱- دعوی قباحت حد اکثر (۱۰) روز بعد از تکمیل تحقیق.

۲- دعوی جنحه حداکثر (۲۰) روز بعد از تکمیل تحقیق.

۳- دعوی جنایت حداکثر (۳۰) روز بعد از تکمیل تحقیق.

ماده یکصد و بیست و سوم:

څارنوال بعد از اقامه دعوی جزائی در مورد ادامه توقیف متهم یا رهائی وی و در مورد گرفتاری او اگر قبلاً گرفتاری شده ولی رها گردیده باشد مطابق به احکام قانون اقدام میکند.

ماده یکصد و بیست و چارم:

اوامریکه از طرف څارنوالی طبق احکام مواد (۱۲۸ و ۱۲۲) این قانون صادر میشود باید بر اسم و شهرت سن - محل ولادت - سکونت و پیشه متهم با بیان وصف قانونی واقعه ایکه به متهم منسوب شده مشتمل باشد.

فصل یازدهم

احکام جزائی

ماده یکصد و بیست و پنجم:

هرگاه یکی از حاضرین از امر مامور ضبط قضائی که باسناد ماده (۲۴) این قانون صادر شده باشد تخلف نماید و یا شخصی از حضور بمحل واقعه امتناع ورزد موضوع در راپور درج و متخلف بجزای حبس که مدت آن از یک هفته بیشتر و جزای نقدی که مبلغ آن از صد افغانی بیشتر نباشد و یا بیکی از دو جزای فوق محکوم میشود این حکم از طرف محکمه با صلاحیت به اساس راپور تحریری مامور ضبط قضائی صادر میشود.

ماده یکصد و بیست و ششم:

شخصیکه بوسیله تفتیش راجع به مضمون اوراق و اشیاء اطلاع یابد و آنرا به شخص دیگری افشا کند یا بنوعی از انواع از آن استفاده نماید مطابق به احکام قانون مجازات میگردد.

ماده یکصد و بیست و هفتم:

تمام اجراءات تحقیق و نتایج حاصله آن از جمله اسرار دانسته میشود مامورین ضبط قضائی و معاونین شان از قبیل کاتبان و اهل خبره و کسانیکه با اجرای تحقیق تماس دارند و یا از نقطه نظر شغل و وظیفه به تحقیق حاضر میشوند مکلف اند از افشای آن خود داری نمایند متخلف مطابق به احکام قانون مجازات میگردد.

ماده یکصد و بیست و هشتم:

مامور ضبط قضائی میتواند به صاحب چیزیکه اخذ آن یا کسب اطلاع از آنرا لازم میداند.

امر تقدیم آنرا به غرض اكمال تحقیق بمامورین ضبط قضائی بدهد.

متخلفین این امر بجز کسانیکه قانون بایشان حق امتناع از اداء شهادت را بنوعی از انواع داده باشد مطابق به احکام قانون مجازات میگردد.

ماده یکصد و بیست و نهم:

شخصیکه جهت حضور به غرض ادای شهادت جلب شود مکلف است به اساس جلب تحریری حاضر شود در صورت تخلف به تادیه جزای نقدی که مبلغ آن بیشتر از یکهزار افغانی نباشد محکوم میگردد.

مامور ضبط قضائی میتواند امر احضار و یا جلب شخص را بمصرف خود او صادر نمایند و یا به ارسال او تحت الحفظ امر کند.

ماده یکصد و سی ام:

هرگاه شاهد بمحل تحقیق حاضر شود و از ادای شهادت در غیر احوالیکه قانون به او اجازه داده است امتناع ورزد در جنایات و جناح مدتیکه میعاد آن از دو ماه بیشتر نباشد و یا تادیه جریمه نقدیکه مبلغ آن از چهار هزار افغانی اضافه نباشد محکوم میگردد.

ماده یکصد و سی و یکم:

هرگاه مامور ضبط قضائی شخصا بغرض استماع شهادت بمحل سکونت شاهد برود و عدم صحت عذر او ظاهر شود شاهد مذکور بحبس مدتیکه میعاد آن از یک ماه اضافه نباشد و یا تادیه جریمه نقدی که مبلغ آن از دو هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد.

ماده یکصد و سی و دوم:

هرگاه یکنفر اهل خبره در مدتی که از طرف مامور ضبط قضائی باو تعیین میگردد بدون اسباب موجب و وظیفه را انجام ندهد مطابق به احکام قانون مجازات میگردد.

ماده یکصد و سی و سوم:

هرگاه طرفین دعوی در صورت وجود اسباب موجب رد اهل خبره را مطالبه نمایند مامور ضبط قضائی مکلف است در صورت موجودیت چنین اسباب موجب دست اهل خبره را از کار کشیده و یا متخلف مطابق به احکام قانون رفتار نماید.

ماده یکصد و سی و چهارم:

مراجعه بمواد قبلی این قانون که رعایت آن در مواد بعدی حکم شده است به ترتیب آتی اصلاح و تعدیل میگردد.

- ۱- به عوض ماده (۱۴۲) که در حکم مندرج ماده (۱۴۵) ذکر یافته است ماده (۱۲۱) این تعدیل قانون رعایت گردد.
- ۲- به عوض ماده (۸۲-۸۳-۸۴) که در حکم مندرج ماده (۱۷۶) ذکر یافته است ماده (۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲) این تعدیل قانون رعایت گردد.
- ۳- به عوض ماده (۱۰۷) که در حکم مندرج ماده (۱۸۱) ذکر یافته است ماده (۸۷) این تعدیل قانون رعایت گردد.
- ۴- بعوض ماده (۱۲۱ و ۱۲۲) که در حکم مندرج ماده (۱۸۲) ذکر یافته است ماده (۱۰۰) این تعدیل قانون رعایت گردد.
- ۵- ماده (۱۰۹) که در حکم مندرج ماده (۱۸۶) ذکر یافته است حذف شده است.
- ۶- بعوض ماده (۱۲۹) که در حکم مندرج ماده (۱۸۸) ذکر یافته است ماده (۱۰۶) این تعدیل قانون رعایت میگردد.
- ۷- بعوض ماده ۹ که در حکم مندرج ماده (۲۰۸) ذکر یافته است ماده (۸) این تعدیل قانون رعایت گردد.
- ۸- بعوض ماده (۸) که در حکم مندرج ماده (۲۶۸) ذکر یافته است ماده (۷) این تعدیل قانون رعایت گردد.

ماده یکصد و سی و پنجم:

این تعدیل قانون بعد از نشر در جریده رسمی نافذ و با انفاذ آن احکام مندرج مواد اول الی یکصد و چهل و چهارم قانون اجراءات جزائی منتشره تاریخی ۱۳۴۴/۳/۵ هـ - ش ملغی میگردد.

هرگاه حکم از احکام این تعدیل قانون با حکمی از احکام سایر قوانین متناقض واقع گردد حکم این تعدیل قانون تطبیق میگردد.

ACKU

جدول منضمه فصل هشتم مربوط ماده ۹۷ تعدیل قانون اجراءات جزائی

شماره	نوع اتهام
۱	خیانت ملی
۲	جاسوسی
۳	توطئه علیه نظام
۴	سوء قصد بحیات رجال برجسته- داخلی و خارجی
۵	جعل بانکنوت
۶	جعل اسناد رسمی دولتی و اسناد بهادر
۷	جعل در مسکوکات
۸	تقلب در مواد ارتزاقی - در صورتیکه بصحت مضر باشد.
۹	توهین به مقدسات مذهبی و شعائر دینی
۱۰	قتل عمد و شبه عمد
۱۱	لواطت اجباری
۱۲	جماع اجباری
۱۳	اختطاف - رجال برجسته - زن محصنه - اولاد صغیر
۱۴	حریق عمدی
۱۵	اختفای مرتکبین جنحه و جنایت
۱۶	سرقه - صرف در احوال مشدده که عبارت اند از: (۱) سرقت از طرف شب. (۲) سرقت با استفاده از کلید جعلی. (۳) سرقت با استفاده از سلاح ناریه. (۴) سرقت بآلات و افزاریکه معمولاً باین منظور بکار برده میشود. (۵) سرقت توسط مستخدمین منازل. (۶) سرقت اوراق رسمی.

(۷) سرقت از محلات مهر شده و مقفل.

کیسه بری - - - (۱) کیسه بر مکرر.	۱۷
(۲) کیسه بری که قبل از صدور فیصله قطعی محکمه متهم به سه واقعه کیسه بری گردیده باشد.	
غارث	۱۸
قطاع الطریقی	۱۹
اختفای اموال مسروقه.	۲۰
اختلاس	۲۱
فریب کاری	۲۲
مجرمین مکرر - در جرایم جنحه و جنایت	۲۳
قچاق - در صورتیکه قیمت مال از بیست هزار افغانی بیشتر بوده و یا عمل مذکور باتفاق دو نفر یا بیشتر از آن صورت گرفته یا از موارد مشدده باشد.	۲۴
مقاومت مسلحانه علیه ممثلین سلطه عامه.	۲۵
تهمت ناحق در جنایت.	۲۶
رشوه - در صورتیکه بالفعل بوده و از ده هزار افغانی بالاتر باشد.	۲۷